

بررسی و تطبیق سکه های ساسانی و سکه های تبرستانی با تکیه بر خط پهلوی

دکتر محمدتقی فاضلی

گروه باستان شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، شوشتر، ایران

mt_fazeli@yahoo.com

(تاریخ دریافت ۱۳۹۱/۳/۱۰ تاریخ پذیرش ۱۳۹۱/۶/۲۰)

چکیده:

خط و زبان رایج در دوران ساسانیان پهلوی ساسانی می باشد که از آن آثار متعددی باقی مانده است. مازندران منطقه ای است که پس از حمله ی اعراب تا حدود یک قرن حفظ کننده ی سنت ساسانیان بوده است. در این مقاله به آثار باقی مانده به خط پهلوی، همچنین به بررسی جایگاه این خط و زبان در مازندران از زمان انقراض ساسانیان تا قرن های ۳ و ۴ ه.ق پرداخته شده و به دلیل فراوانی و اهمیت سکه های تبرستانی مطالعه ی موردی آن ها نیز انجام می شود اصولاً می توان این مطلب را اساس قرار داد که تاریخ رسمی هجری قمری را بر روی سکه ها به خط کوفی می نوشته اند و تاریخ هایی که در سکه های حکام محلی تبرستان به خط پهلوی نقر شده است با مبداهای ایرانی (اسپهبدی، یزدگردی و ...) است. تاریخ بر سکه های حکام نشان دهنده آن است که در یک محدوده زمانی، دو یا سه حاکم در تبرستان بطور همزمان حکومت می کرده اند. از طرفی می توان به این موضوع نیز توجه کرد که ممکن است مبدأ تقویم و تاریخ بکار رفته در سالشماری متفاوت باشد. به هر طریق تنها آثاری که بیشترین اطلاعات از خط پهلوی مربوط به این دوران در آن مشاهده می شود. سکه های تبرستانی می باشد که معتبر ترین اسناد جهت تاریخ گذاری و نشان دهنده ی اهمیت دادوستد و اقتصاد در حفظ خودمختاری است.

واژگان کلیدی: پهلوی ساسانی، مازندران، سکه تبرستان، بررسی تطبیقی

مقدمه:

اوایل قرن سوم میلادی دولت اشکانی در اثر عوامل چندی که از همه مهم تر ضعف دستگاه مرکزی، جنگ های پی در پی و بروز اختلافات در بین شاهزادگان و دولتمردان بود و در همین زمان در پارس چند حکومت کوچک محلی وجود داشت که فرمانروایان آن خود را شاه می نامیدند مانند برخی دیگر از شاهان غیر وابسته به شاهنشاهی اشکانیان، حق ضرب سکه به نام خود را داشتند. در سده ی سوم میلادی دودمان باستانی بازرنگیان بر فارس فرمانروایی می کردند. همچنین در دودمان فرمانروایان پارس دگرگونی هایی پدید آمد و ساسان که مردی از خانواده نجبا بود با زنی از خاندان بازرنگی ازدواج کرد. ساسان در معبد آناهیتا در شهر استخر سمت ریاست مذهبی را به عهده داشت. پس از مدتی پاپک، پسر ساسان، جانشین پدر شد و برای یکی از پسرانش به نام اردشیر از امیر بازرنگی منصب ارگبدی *argabadi* شهر دارابگرد را گرفت. مقارن این احوال پاپک بر گوچهر شاه بازرنگی که خویشاوند او بود، شوریده، شهر نیسا، تختگاه گوچهر را به تصرف درآورده و او را به قتل رسانده و به جای او نشست. پاپک پس از مدت کوتاهی در گذشت و شاپور جانشین او شد میان اردشیر و شاپور بر سر کسب قدرت نزاع در گرفت و شاپور بر حسب اتفاق ناگهان درگذشت. این گونه اردشیر در سال ۲۰۸ میلادی به حکومت رسید و ایالات مختلفی از جمله کرمان، اصفهان، سواحل خلیج فارس را از آن خود ساخت که منجر به جنگ با

اردوان پنجم در هر مزدگان شد. با قتل اردوان پنجم سلسله ی اشکانی بر افتاد. اردشیر امپراتوری ساسانی را تا سیس کرد که قریب به ۵ قرن ادامه داشت و از قلمرو آن از شمال به جیحون، ماورالنهر، خزر و از مشرق به سند و پنجاب، از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان و از مغرب به سوریه و عربستان و گاهی تا مدیترانه گسترش یافته بود (سر) فراز، ۱۳۷۹، صص ۸۶-۸۵) زبان رسمی روزگار ساسانیان زبان پهلوی بوده است. زبان پهلوی تا چندین سده پس از اسلام نیز روایی داشته است. بیشتر یادگارهای این زبان، کتاب های پهلوی در سده ی سوم و چهارم هجری است که به نگارش نهایی رسید. خطی که برای زبان پهلوی به کار رفته است از خط آرامی گرفته شده است. (اکبرزاده، طاووسی، ۱۳۸۴، صص ۱۵-۱۴).

خط پهلوی ساسانی

نام یک دسته ی کلی از دبیره هایی است که برای نوشتن زبان های فارسی میانه به کار می رفته اند و تمامی آن ها ریشه در خط آرامی دارند و مانند آرامی از راست به چپ نوشته می شده اند. (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳، صص ۱۵۳) خطی که برای نوشتن کتیبه های پهلوی به کار می رفته به خط پهلوی کتابی یا منفصل معروف است و خطی که برای نوشتن کتاب های پهلوی به کار می رفته است به خط پهلوی کتابی یا متصل معروف است. خط پهلوی کتابی دارای ۱۴ حرف و خط پهلوی کتیبه ای دارای ۱۹ حرف است (تفضلی، آموزگار، ۱۳۷۶، صص ۴۴-۵۰)

داد و ستد در زمان ساسانیان است (اکبرزده، ۱۳۸۵، صص ۱۵-۲).

طبرستان و توابع آن

طبرستان یا تپورستان نام پیشین ایالت مازندران است که در ساحل جنوبی دریای خزر قرار دارد. طبرستان که معرب آن «تپورستان» است زمانی که قوم «تپور» بر تمام این ناحیه دست یافتند بر آن اطلاق شده است. طبرستان ناحیه ای مرکب از کوه و دشت و دریاست که تا قرن ۴ هجری شامل آبادی های زیر بوده است: آمل - نامل - سالوس - کلار - رویان - میله - الهم - ساری - مهروان - لراک - مامطیر - همیشه بعد از آمل و رویان مهمترین شهرهایش عبارت بودند از: ساری، چالوس، کلار، کجور همیشه راینو معتقد است طبرستان و مازندران تقریباً مترادفند ولی کلمه اول صرفاً به نواحی کوهستانی و دوم به نواحی جلگه ای اطلاق شده است (لسترنج، ۱۳۶۴، صص ۴۰۰). در سالهای میان ۵۲۹ و ۵۳۶ میلادی طبرستان، به دست شاهزاده ساسانی (کیوس) اداره می شد. انوشیروان، زرمهر را که نسبت خود را به کاوه آهنگر می رسانید به جای او گذاشت و سلسله ای که او به وجود آورد تا سال ۶۴۵ میلادی ادامه داشت. طبرستان در قرن اول حکومت ساسانی «پرشوارگر» نامیده می شد، بخش هایی از آن بصورت اقطاع در اختیار بعضی از رؤسای قبایل و سران محلی قرار می گرفت و آنان نیز در مقابل، سپاهبانی در اختیار شاهنشاه ساسانی قرار می دادند و مالیات و باج و خراج می پرداختند. موقعیت سوق الجیشی طبرستان مانع از آن بود که

ویژگی دیگری که در تمام گونه های خط پهلوی دیده می شود وجود هزوارش است. هزوارش به این معنی است که در نوشتن متن های پهلوی گاه کلمه ای را به آرامی می نوشتند لیکن هنگام قرائت فارسی می خواندند. مثلاً ملکا MLKA می نوشتند و هنگام قرائت šāh شاه می خواندند. دلیل وجود هزوارش در نوشته های پهلوی حدس های گوناگون زده اند یکی از این حدس ها این است که از آن جا که سنت دبیری خاص آرامیان بوده است بسیاری از این واژه ها در نوشتار وارد شده اند (خانلری، ۱۳۸۲، صص ۲۸۸).

معرفی آثار باقی مانده به خط پهلوی به اختصار:

آثار باقی مانده به خط پهلوی عبارتند از: کتیبه های

شاهان و رجال ساسانی، سکه ها، ظروف و مهرها علاوه بر کتیبه های ساسانی و پاپيروس ها، سکه های ساسانی به دلیل همزمانی خط با زمان ضرب سکه در بررسی زبان پهلوی جایگاه ویژه دارد. سکه های ساسانی در ۴ دسته طبقه بندی می شوند از جمله سکه های ساسانی، سکه های اسپهبدان تبرستان، سکه های عرب ساسانی و سکه های کوشانی، ساسانی. (ظرف ها) بسیاری از ظرف های بازمانده از روزگار ساسانی نیز چون کاسه ها، جام ها، قاب آینه ها دارای نوشته اند، خط بیشتر ظرف های ساسانی از نوع متصل نقش سوزنی است و نوشته ی ظرف ها بیشتر به نام دارندگان، سازندگان و وزن آن ها محدود می شود (مهرها): مهرها نیز اسناد مهمی جهت شناسایی اقتصاد، سیطره ی حکمرانی و

۱) کوهستان روئینج (roinj) کوهستان فادوسبان (fādoosbān) ۳) کوهستان قارن کوههای روئینج (رویان royān) بنا به گفته ابن حوقل، میان ری و طبرستان است. تاریخ جدایی رویان از دیلمان را احتمالاً در عصر ساسانیان و در دوره ای که جهت مقابله با حملات دیالمه قلاع و استحکامات نظامی در شالوس (چالوس) برپا شد باید جستجو نمود. رویان در اواخر عصر یزدگرد سوم بخشی از قلمرو گیل گاوباره گشت پس از مرگ گیل گاو باره سرزمین های تحت حاکمیت او بین پسرانش دابویه و پادوسبان تقسیم شد. در حقیقت کوهستانهای مازندران در تحت حکومت دو سلسله از پادشاهان بومی (باوندیان bāvendiyān و پادوسبانان) fādoosbān ān به استقلال خود ادامه دادند. پادوسبانان که در رویان و رستمدر حکومت داشتند رشته نسب خود را به خاندان «دابویه» dābuye در گیلان می رسانند و سر سلسله خود را پسر گیل گاوباره می دانستند. ظاهراً در رقابت بین بازماندگان گیل گاوباره، دابویه پیروز شد و به همین دلیل حمله ای که از سوی مسلمین به ناحیه رویان به عمل می آمد با دفاع پسر دابویه مواجه شد. گاوبارگان، با تسلط مجدد بر طبرستان، گرچه استیلای خود بر دیلمان و گیلان را از دست دادند. ولی رویان در کنار طبرستان همچنان تحت حاکمیت ایشان باقی ماند (هاشمی، ۱۳۸۱ صص ۶۵-۵۰ و ستوده ۱۳۷۴، ۱۸۹-۱۶۰)

حکومت های مرکزی ایران بتوانند تسلط کامل و دائمی بر طبرستان به ویژه نواحی غرب آن - گیلان و دیلمان- داشته باشند. (هاشمی، ۱۳۸۱ صص ۲۵-۲۴). اوایل قرن دوم هجری، اسلام جایگزین دین مزدیستا و زرتشتی در طبرستان شد ولی تسلط خلفای اسلام بر این منطقه نفوذناپذیر نه به آسانی بلکه به دشواری تمام صورت گرفت. در تمام دوران خلافت خلفای بغداد، طبرستان از لحاظ سیاسی آخرین بخش از کشور ایران بود که به تصرف عرب درآمد و اسپهبدان Espahbadān آن سرزمین بیش از یک قرن پس از نفوذ عرب در کوهستان های خود با استقلال تمام باقی ماندند. اسپهبدان که سعی در حفظ سنن و عقاید ساسانی داشتند به سبک و سیاق آنان سکه ضرب نمودند که سکه های آنان به سکه های اسپهبدان طبرستان معروف است (همان، صص ۳۰-۲۹).

جغرافیا و پیشینه ی تاریخی رویان

در گذشته بخشی از حاشیه جنوبی دریای خزر که از غرب به دیلمان، از شرق به طبرستان و از جنوب به ری محدود می شد رویان نام داشت، نام این خاک آباد کهنسال در زامیادیش «راوی دیتا Raidhita» (یعنی کوهی که رنگ آن به سرخی می زند و در بند هشن bundahišn «روئیشن مند Roishnmand» آمده است. نام رویان در اثر مهری متعلق به دوره ساسانی بصورت لودان = رودان (Iodān-rudān) آمده است. نام رویان بعد از قرن هشتم هجری به رستمدر تغییر یافت. در زمان اصطخری (۳۴۰ هـ ق) سه ناحیه کوهستانی بدین ترتیب مشخص شده اند:

پیشینه تاریخی کجور

به استناد منابع و متون تاریخی «کجور» در دوره ی میانه اسلامی با همین نام و قبل از تهاجم مغول با نام «کجه» مرکز سیاسی ایالت «رویان» و سپس پایتخت «رستمدر» بوده است. رویان یکی از ایالت های مهم اسپهبدان طبرستان در بخش غربی مازندران بود که گستره ی جغرافیایی آن از غرب آمل شروع و تا مرز دیلمان (گیلان) امتداد داشته و مرکز آن کجور بوده است. بنا به نوشته ی ابن اسفندیار در کتاب تاریخی طبرستان یکی از دو فرزند گیل بن گیلانشاه (فرمانروای گیلان و طبرستان در عصر ساسانی) پادوسبان بود که بر مازندران غربی موسوم به ایالت رویان، که منطقه ی کجور بخشی از آن به شمار می رفت. مهمترین تحولات ژئوپلیتیک تاریخی منطقه ی کجور یکی واقعه ی سال ۴۳ یا ۵۳ هجری قمری به هنگام دومین یورش مسلمین تحت فرماندهی مصلحه بن هبیره شیبانی است که این جنگ دو سال طول کشید و سرانجام مصلحه کشته و او را در کجور به خاک سپردند. قدرت یافتن سلسله ی بنی اسکندر توسط استندار جلال الدوله پس از مرگ ملک کیومرث بن بیستون در سال ۸۵۷ هجری قمری از دیگر تحولات تاثیرگذار در تاریخ سیاسی منطقه کجور است. سرانجام تضعیف این سلسله توسط حاکمان کیایی گیلان، که توانسته بودند با تحمیل پیمان نظامی حاکمیت بر تمامی منطقه رویان (کجور) را به دست آورند، و اضمحلال آنها در زمان شاه عباس صفوی حیات سیاسی فرمانروایان کجور پایان یافت (هاشمی، موسوی کوهپر، حیدریان، عباس نژاد ۱۳۸۹: ۱۸۴-۱۸۳).

معرفی آثار به خط پهلوی در مازندران:

در سال ۱۳۲۳ه در جاده چالوس یک قاب آینه ی نقره ای ساسانی بدست آمد که نوع نقش و کتیبه ی منقور بر داخل آن، آن را به اواخر دوره ی ساسانی منسوب می نماید. (نوروززاده چگینی، ۱۳۶۵ص ۶۵). سه کاسه ی کتیبه دار که اولین بارگیرشمن آن ها را خواند که به سال های قبل از قرن ۸ ه. ق متعلق است. ۲ عدد از کاسه ها بنا بر متن کتیبه به ونداد هرمز کارنی متعلق است و سومین کاسه به آذر میک شهروان تعلق دارد. از جمله ظروف کتیبه داری که به نحوی با مازندران و تاریخ آن مربوط است کاسه ای است در موزه ی ارمیتاژ که متن کتیبه چنین است " ملک دادبرزمهر فرماندار خراسان پسر فرخان پسر گیلسر" آن کس جز اسپهبد دادبرزمهر پسر فرخان از اسپهبدان طبرستان نیست و ساخت آن را نیز باید به سرزمین طبرستان نسبت داد (همان منبع). از دیگر ظروف فلزی کتیبه دار بشقاب گود نقره ی مطلا است در موزه ی بریتانیا و صراحی یا تنگ نقره ای کتیبه دار موزه ی بریتانیا، همچنین دو مهرباقی مانده که با مازندران ارتباط دارند این ۲ قطعه هم دارای کتیبه هستند و هم نقش اگرچه محتوای کتیبه آن ها را جزو مهر های اداری قرار می دهد. مهردیگری که در مجموعه ی خصوصی رابینسون در لندن نگهداری می شود نقش متن آن شیری لمیده را به طرف راست نشان می دهد در حاشیه کتیبه ای به خط پهلوی ساسانی وجود دارد که نام پرشوارگر را می توان در میان آن قرائت کرد و جنس آن مهر عقیق و تاریخ آن حدود ۴۰۰ م است. مهری درموزه ی کلکته در

فرخان آغاز گردیده باشد. از فرخان، دازمهر و خورشید سکه های زیبا و متعددی در دست است (سرفراز، ۱۳۷۹ ص ۱۲۷).

مشخصات سکه های تبرستانی

جنس سکه های تبری از نقره و برنز، عمدتاً از جنس نقره هستند. بر روی سکه تصویر خسرو دوم (پرویز) فرمانروای ساسانی در حالی که به سمت راست می نگرد، نقش گردیده است، این نقش مربوط به سالهای آخر سلطنت خسرو است که از روی آخرین سکه های او طراحی و اقتباس گردیده است. در مقابل تصویر، نام فرمانروای تبرستان به خط پهلوی نوشته شد، در پشت سر تصویر فرمانروا، عبارت «فرازود» به چشم می خورد. تاج فرمانروا نیز همان تاج خسرو دوم است که با بال شاهین، مظهر «بهرام»، الهه پیروزی و آتش، تزیین شده است. تصویر فرمانروا در دو قاب دایره شکل محصور گردیده، روی سکه در حاشیه خارج دایره ها با تصویر ماه و ستاره و تشر که از سمبلهای دین زرتشت هستند، مزین شده است. همچنین در حاشیه خارجی اغلب سکه ها کلمه «اپد» به معنی آبادانی نقرشده و پشت سکه کاملاً از سکه های اواخر ساسانی اقتباس شده، در پشت سکه آتشدانی دیده می شود که آتش مقدس بر روی آن در حال اشتعال است و دو روحانی نگهبان آتش در طرفین آتشدان در حالیکه برسم در دست دارند دیده می شوند. در طرف چپ در حاشیه داخلی پشت سکه سال ضرب سکه به تاریخ طبری، به خط پهلوی نوشته شده، در سمت راست نام ضرابخانه که به نام تبرستان

هندوستان نقش متن آن شامل یک نشان ساسانی شبیه نقش عقرب است که در حاشیه کتیبه ای به خط پهلوی ساسانی است که نام دماوند در آن مشاهده می شود. (همان منبع) موزه ی بریتانیا دارای اثر مهری است که در حاشیه ی آن لودان (رویان) دیده می شود. مهر دیگری در یک مجموعه خصوصی در تهران چون در مرکز آن صورت مخفف (لود) برای رویان و در حاشیه جمله ی (ساتراپ لودان و زلیخان) قرائت شده است که تصور می شود منطقه ی همجوار رویان بوده که باهم زیر حکومت یک ساتراپ واحد اداره می شود از دیگر آثار باقی مانده که می توان خط پهلوی را روی آن مشاهده کرد برج مقبره های لاجیم و رسکت در مازندران است. (ریاحی ۱۳۸۰ ص ۵۷)

سکه های تبرستانی:

پس از سقوط دولت ساسانی و کشته شدن یزدگرد سوم، آخرین شهریار ساسانی در مرو (۶۵۲ م)، ضرب سکه های ساسانی در شمال ایران به وسیله یکی از خاندانهای بزرگ محلی به نام «گاوبارگان» ادامه یافت. آنان از نسل جاماسب، پادشاه ساسانی بودند که در سالهای ۴۸۹-۵۰۱ م بر ایران حکومت می کرد. نخستین فرمانروای این سلسله «گیل»، ملقب به «گاوباره»، بود که بر رویان و گیلان فرمان می راند و ادعا می کرد که فرمانروایی آن خطه را یزدگرد سوم به او داده است، پس از گیل فرزندش، دابویه، جانشین او شد و سپس فرخان، دازمهر و خورشید به ترتیب حکومت کردند. از گیل و دابویه هنوز سکه ای یافت نشده، محتمل است که ضرب سکه از زمان

عرب را در زمان سلیمان عبدالملک (۷۱۴-۷۱۷ م) بسختی شکست داد و مجبور به عقب نشینی نمود. او اولین گاوباره ای است که تا کنون از او سکه به دست آمده است. دازمهر (۷۲۸-۷۴۰ م). دازمهر فرزند اسپهبد فرخان به مدت دوازده سال حکومت و به ضرب سکه اقدام نمود. در روی سکه ها نام او به طور کامل داذبرزمهر نوشته شده است. فرخان دوم (۷۴۰-۷۴۸ م). پس از آنکه داذبرزمهر درگذشت چون فرزند او، خورشید، کودکی خردسال بود، برادر داذبرزمهر بنام فرخان نیابت و سرپرستی او را به مدت هشت سال به عهده داشت و چون نایب السلطنه بود، به ضرب سکه اقدام نکرد. خورشید (۷۴۸-۷۶۱ م). در سن چهارده سالگی فرمانروایی یافت. آغاز دوره فرمانروایی اش با اقتدار سپری گشت، اما در پایان آن، همزمان با حکومت منصور، دومین خلیفه عباسی (۷۵۴-۷۷۵ م)، مهدی، فرزند منصور با نیرنگ در قلمرو خورشید نفوذ کرد و سپاهیان عباسی به تبرستان راه یافتند. (همان: ۱۲۹) خط رسمی رایج در تبرستان با استناد به کتیبه ها، سنگ قبور و سکه ها پهلوی ساسانی بوده و زبان رسمی رایج در دربار تبرستان نیز پارسی یا پهلوی می نماید که در کنار زبان و گویش تبرستانی به حیات خود ادامه می داده است (پاکزادیان، ۱۳۸۷: صص ۱۳-۱۲).

سکه های اسپهبدان: فرخن / فرخو (۶۰-۷۲ اسپهبدی)

بعد از دابویه پسرش فرخو یا فرخ بر تخت نشست. فرخو اولین فرمانروا از این خاندان است که به رسم

(تپورستان) است دیده می شود. حاشیه خارجی پشت سکه نیز همانند سکه های اواخر ساسانی با نقش ماه و ستاره تزیین شده، علاوه بر آن به طور قرینه در فواصل بین ماه و ستاره سه نقطه نقش شده که در سکه های ساسانی دیده نمی شود و احتمالاً نمادی مذهبی است. همانطور که اشاره شده خط سکه ها پهلوی ساسانی و قطر متوسط آنها $\frac{2}{3}$ سانتیمتر، در مقابل $\frac{3}{2}$ سانتیمتر سکه های ساسانی بوده، وزن آنها بیش از نیم درهم ساسانی و تقریباً $\frac{2}{3}$ درهم، یعنی چهار دانگ درهم ساسانی و به میزان $\frac{2}{13}$ گرم بوده است. همانگونه که اوزان و مقادیر در بعضی مناطق با یکدیگر متفاوت و مغایر بوده اند، احتمالاً درهم طبری به همین مقدار بوده، این مسکوکات در منطقه وسیع تبرستان و گیلان درهم رایج و مبادلات اقتصادی و تجاری مورد استفاده قرار می گرفته اند. (همان منبع، صص ۱۲۸).

گاوبارگان

نام فرمانروایان و دوره حکمرانی آنها به شرح زیر است: گیل (۶۴۲-۶۸۱ م). گیل فرزند گیلانشاه و ملقب به گاوباره بود، مدت ۳۹ سال با قدرت بر رویان و گیلان فرمانروایی نمود. دابویه (۶۸۱-۷۱۱ م). دابویه فرزند گیل بود و در زمان او یکی از برادرانش به نام پادوسپان نیز بر ناحیه رستمدر فرمانروایی می کرد. فرخان اول (۷۱۱-۷۲۸ م). اسپهبد فرخان که اعراب به او لقب «ذوالمنقب» دادند پس از پدر فرمانروا شد. در دوران حکومت او خلفای اموی قصد تصرف تبرستان را داشتند، اما او پیوسته در جنگ پیروز بود و یزیدبن مهلب، سردار

که برابر سالهای ۹۸ تا ۱۰۵ هجری قمری (۷۱۶ تا ۷۳۲ میلادی) و ۷۷ تا ۸۴ یزدگردی است. سکه هایی از او در سال ۱۰۲ و ۱۰۳ هجری (۷۲۱-۷۲۰ میلادی) ضرب تبرستان در دست است که شاید ضرب منطقه شرقی تپورستان (جرجان تا حوالی بهشهر) بوده که زمان فرخان توسط یزیدبن مهلب تسخیر شده بود. (پاکزادیان، ۱۳۸۷، صص ۳۱-۳۷). تصویر ۲

دادبرزمهر / (۷۹-۸۸ اسپهبدی)

تاریخ بر سکه های منصوب به دادبرزمهر، سال ۷۹ اسپهبدی تا ۸۸ اسپهبدی را نشان می دهد که بیانگر تعداد سالهای حکومت دادبرزمهر، برابر با سالهای ۱۰۴ تا ۱۱۳ هجری قمری (۷۲۲ تا ۷۳۱ میلادی) / ۸۳ تا ۹۲ یزدگردی) در منطقه تبرستان است. از دادبرزمهر (دادمهر) دو نوع سکه معرفی شده است. نوع نخست: این سکه ها شبیه سکه های فرخان دارای نوشتار حاشیه ای در ربع دوم و ربع سوم است. نوع دوم: در سکه های نوع دوم، نوشتار حاشیه ای در ربع سوم حذف شده است. بر روی سکه تصویر نیم تنه و چهره نیمرخ به راست پادشاه با تاج بالدار مزین به هلال ماه و ستاره، همانند سکه های خسرو دوم نقش شده است. نوشتار نام شاه به پهلوی در جلوی صورت نوشته شده است. بر روی دیگر سکه، نقش آتشدان و ملازمین آتش مشهور است. کلاه ملازمین شبیه سکه های فرخان با لبه های رو به بالا هستند. در سمت راست نقش، نام محل ضرب سکه، = تپورستان و در سمت چپ نقش، سال ضرب سکه نوشته شده است. نقش چهار

ساسانیان سکه زده است. تاریخ ضرب نخستین سکه او سال ۶۰ را می نماید که مبدأ آن سرآغاز حکومت اسپهبدان در تپورستان بوده است. یعنی با مبدأ جلوس گیل گاوباره (فراشودگرشاه)، برابر با سال ۶۴۵ میلادی نقر شده است. تاریخ در سکه های فرخو تا سال ۷۲ ادامه می یابد که بیانگر حکومت وی تا این سال (۸۵ تا ۹۸ ه.ق / ۷۰۴ تا ۷۱۶ م) است. از فرخان یک نوع سکه معرفی شده است که برخلاف اکثر سکه های سایر فرمانروایان تبرستان، بدون هیچگونه نوشتار حاشیه ای است. بر روی سکه تصویر نیم تنه و چهره نیمرخ به راست شاه با تاج بالدار مزین به هلال ماه و ستاره، همانند سکه های خسرو دوم نقش شده است. نوشتار نام شاه به پهلوی در جلوی صورت نوشته شده است. بر روی دیگر سکه، نقش آتشدان و ملازمین آتش مشهود است. کلاه ملازمین سکه های فرخن با لبه ای رو به پایین است. در سمت راست نقش پشت سکه ها، نام محل ضرب سکه، «تپورستان» و در سمت چپ نقش، سال ضرب سکه به شیوه نوشتاری و به خط پهلوی نوشته شده است. نقش چهار هلال ماه و ستاره در چهار جهت اصلی و نقش چهار طرح سه نقطه ای در چهار جهت غیراصلی، در حاشیه بیرونی دوایر سه گانه محاط بر نقش دیده می شود. (همان، ۳۳-۳۱) تصویر ۱

از سال ۷۲ به بعد سکه هایی با نام فرخان یا فرخانان در دست است که اگر متعلق به فرخو یا فرخن نباشد باید آن را به شاهی تازه با نام فرخانان نسبت داد که به مدت ۸ سال حکومت کرده است. تاریخ در این سکه ها از سال ۷۲ تا ۷۹ اسپهبدی بوده

خسرو دوم، نقش آتشکده و موبدان، محل و تاریخ ضرب سکه به سال طبری و به خط پهلوی در این سکه ها به چشم می خورد؛ اما نام حاکم به خط کوفی در مقابل تصویر او نوشته شده، فقط نام «خالد» ، اولین حاکم عباسی، به خط پهلوی در روی سکه دیده می شود. در سکه های «عمر بن علا» گاهی نام فرمانروا به خط پهلوی و در بعضی سکه ها به خط کوفی و در نوعی دیگر با هر دو خط پهلوی و کوفی، در حاشیه داخلی و خارجی سکه نوشته شده است. بین سالهای ۱۲۹ تا ۱۳۵ طبری روی بعضی از سکه ها به جای نام حاکم، کلمه اپزوت به خط پهلوی و به معنی فراوانی و برکت نوشته شده است. (سرفراز، ۱۳۷۹ ص ۱۱۳).

سکه های عرب تبرستانی تصویر ۶

حکام عرب حاکم بر تبرستان: خالد بن برمک

(۱۱۵- ۱۲۰ اسپهبدی)

منابع از وی بعنوان حاکمی دانا و صلح جو یاد کرده اند. در طول مدت حکمرانی، با ونداد هرمزد که حاکم بلامنازع بخش کوهستانی (ملک الجبال) تبرستان بود، رفتاری دوستانه داشت. سکه های خالد بن برمک: در سکه های خالد نام وی به پهلوی در جلوی تصویر چهره پادشاه نگاشته شده است. سکه هایی با نام «المهدی محمد» و «روح بن حاتم» به دست آمده که منسوب به مهدی عباسی (در زمان ولیعهدی) است و تاریخ ضرب آنها سالهای ۱۴۶ (سته و اربعین و مئه) و نیز ۱۴۷ (سبع و اربعین و مئه) هجری قمری را نشان می دهد که به دستور روح بن حاتم ضرب گردیده است. از «المهدی

هلال ماه و ستاره در چهار جهت اصلی و نقش چهار طرح سه نقطه ای در چهار جهت غیراصلی، در حاشیه بیرونی دواير سه گانه محاط بر نقش، دیده می شود. (پاکزادیان، ۱۳۸۷ صص ۴۰-۳۹). تصویر ۳

سکه های خورشید (خورشیت):

از خورشید یک نوع سکه معرفی شده است. این سکه ها شبیه سکه های نوع دوم دادبرزمهر بوده، نوشتار حاشیه ای در ربع دوم و در ربع سوم نوشتار آن حذف شده است. بر روی سکه تصویر نیم تنه و چهره نیمرخ به راست پادشاه با تاج بالدار مزین به هلال ماه و ستاره، همانند سکه های خسرو دوم نقش شده است. نوشتار نام شاه به پهلوی در جلوی صورت نوشت شده است. چهره خورشید در سکه های سال های پایانی، پهن تر طراحی شده است. بر روی دیگر سکه، نقش آتشدان و ملازمین مشهود است. کلاه ملازمین شبیه سکه های فرخان با لبه های رو به بالا هستند. در سمت راست نقش، نام محل ضرب سکه، تپورستان و در سمت چپ نقش، سال ضرب سکه نوشته شده است. (همان، ۴۴-۴۱) تصاویر ۴

سکه های عرب تبرستانی:

پس از مرگ اسپهبد خورشید و گشوده شدن طبرستان به دست عباسیان، امرای عباسی که تا سال ۱۶۱ تبرستانی برابر با ۱۹۷ هـ ق به مدت ۵۲ سال بر این خطه فرمانروایی نمودند، به سبک گاوبارگان سکه زدند. مشخصات اصلی سکه، مانند تصویر

در سمت راست و سال ضرب در سمت چپ به خط پهلوی آمده است. از نوع دوم تنها تاریخ سال ۱۴۷ معرفی شده است. سکه های نوع سوم از سکه های تراز اسلامی است و تماما با خط کوفی و با نام المهدی محمد قابل شناسایی است و در سالهای ۱۴۶ تا ۱۴۸ هجری در تبرستان ضرب شده است. عمر/ عمر بن العلاء، (۱۲۰-۱۲۵ و ۱۲۷-۱۲۹ و ۱۳۰؟) سکه های عمر بن العلاء از تنوع زیادی برخوردار است. این تنوع شامل تغییر در نوع خط و زبان نوشتار، نشانه ها و طرح عمومی است. ملک این سکه ها را در تقسیمات هفتگانه دسته بندی کرده اند. نوع نخست: در این گروه نام عمر به حروف پهلوی نوشته شده است. واژه «omar» در قسمت حاشیه ربع دوم نوشته شده است. این سکه ها در طول سالهای ۱۲۰ و ۱۲۱ اسپهبدی در تبرستان به ضرب رسیده اند. تصویر ۷

نوع دوم: نام عمر به کوفی (عمر) بصورت کشیده در جلوی صورت حاکم نقش شده و واژه «عمر بن علا» در حاشیه ربع دوم نوشته شده است. این سکه ها در طول سالهای ۱۲۰ و ۱۲۱ اسپهبدی در تبرستان به ضرب رسیده اند. تصویر ۸

نوع سوم: سکه های عمر بن العلاء: نام عمر به کوفی در جلوی صورت حاکم نقش شده و واژه در حاشیه ربع دوم و نوشتار واژه (arun) یا (Soli) در حاشیه ربع سوم نوشته شده است. این سکه ها در طول سالهای ۱۲۰ و ۱۲۲ تا ۱۲۶ اسپهبدی در تبرستان به ضرب رسیده اند. تصویر ۹ سکه های عمر بن العلاء

محمد بن امیرالمومنین» سه نوع سکه گزارش شده است. سکه های نوع نخست آن مانند سکه های اسپهبد خورشید است اما نقش هلال ماه بر روی شانه فرمانروا حذف شده است. جلوی چهره به کوفی نام المهدی محمد نوشته شده و در پشت سر شاه نوشتار «بن امیرالمومنین» مشهود است. در حاشیه و ربع دوم واژه «apd = اپد» نوشته شده است

پشت سکه: آتشدان و ملازمین (مراسم تاجگذاری) - سمت راست سکه به خط کوفی «مما امر به به روح بن حاتم» و در سمت چپ سکه به خط کوفی «بطبرستان سنه سته و اربعین و مئه» برابر با سال ۱۴۶ هجری، و در سکه ای دیگر «بطبرستان سنه سبع و اربعین و مئه» برابر با سال ۱۴۷ هجری نوشته شده است. این سکه ها از معدود سکه های عرب-تبرستانی است که تاریخ نقر شده بر آن هجری قمری است. سکه های نوع دوم، با نام محمد بن امیرالمومنین معرفی شده است. در این نوع مسکوکات همانند سکه های خورشید نقش هلال ماه بر بالای شانه فرمانروا نقش شده است. جلوی چهره به کوفی نام «محمد بن» نوشته شده و در حاشیه ربع دوم سکه به کوفی «امیرالمومنین» نوشته شده است، تصویر ۵

سکه های عرب تبرستانی

پشت سر حاکم واژه های GDH (xwarah=خوره=فره) و اپزوت apzōt به پهلوی نوشته شده است. در پشت سکه نیز تصویر آتشگاه و نگهبانان در وسط نقش شده است. نام محل ضرب

افزوت در این سکه ها در متن سکه جایگزین نام حاکم شده است. این سکه ها در طول مدت ۱۵ سال یعنی از سال ۱۲۹ تا ۱۴۳ تبرستانی به صورت مداوم در منطقه ضرب شده است (سکه های افزوت (afzōt). تصویر ۱۱ مسکوکات مسین

اسپهبدان تبرستان

سکه های مسین تبرستان، ویژگی های متفاوتی با سکه های سیمین اسپهبدان دارند. به طور معمول سکه های مسین از سال ۶۵ اسپهبدی ضرب می شده است. در سالهای نخستین نام اسپهبد را نیز بر روی سکه ها نقر می نمودند، و سپس در زمان اسپهبد خورشید تنها به نوشتن واژه فرافزوت اکتفا کردند. در نگاه نخست، بر روی سکه در جلوی تصویر اسپهبد، نام فرخن به خط پهلوی نوشته شده است (پاکزادیان ۱۳۸۷، صص ۱۰۲، ۵۶). (مسکوکات

مسین اسپهبدان تبرستان) تصویر ۱۲

سکه های فضل بن سهل:

در سکه های «فضل بن سهل» صورت فرمانروا به شکل لوزی طراحی شده، سایر جزئیات چهره او را حذف نموده اند و در وسط آن با خط کوفی کلمه «بخ» به معنی خوب را نوشته اند. فضل بن سهل، آخرین امیری است که به سبک گاوبارگان به ضرب سکه اقدام نموده، اما تغییرات عمده ای در سکه هایش دیده می شود. نام و لقب او در حاشیه خارج سکه به خط کوفی نوشته شده: «الفضل بن سهل ذوالریاستین». بر خلاف سایر سکه ها، نقش ستاره در میان دو هلال ماه محصور شده است. در طرف راست تصویر استیلیزه (مسبک) شده فرمانروا، کلمه

نوع چهارم: در این گروه نام عمر به حروف پهلوی نوشته شده است. و نوشتار واژه (arun) یا (Soli) در حاشیه ربع سوم نوشته شده است. این سکه ها در طول سالهای ۱۲۲ تا ۱۲۷ اسپهبدی در تبرستان به ضرب رسیده اند.

نوع پنجم: نام حاکم بصورت کامل به پهلوی در جلوی چهره نوشته شده و همین نام به کوفی کامل در حاشیه ربع سوم و دوم سکه نقش گردیده است. این سکه ها در طول سال ۱۲۵ اسپهبدی در تبرستان به ضرب رسیده اند. تصویر ۱۰

نوع ششم: نام عمر به کوفی در جلوی صورت حاکم نقش شده و نوشتار واژه (newak) در حاشیه ربع سوم نوشته شده است. این سکه ها در طول سالهای ۱۲۷ تا ۱۲۹ و شاید ۱۳۰ اسپهبدی در تبرستان به ضرب رسیده اند.

نوع هفتم: سکه هایی با تراز اسلامی به نام عمر بن العلاء در درم سراهای تبرستان و رویان ضرب شده اند و تاریخ های متعددی بر خود دارند. از عمر بن العلاء سکه ای با تراز کوفی مسین در دست است که به سال ۱۴۵ هجری قمری / (۱۱۸ اسپهبدی) در ضرابخانه رویان (الرویان) ضرب شده است.

سکه های بی نام / افزوت: afzōt

در مجموعه سکه های به دست آمده تبرستان، (بویره در مجموعه سکه های حکام عرب) سکه هایی در سبک تراز معمول و رایج آن دوره دیده می شود که نام حاکم و فرمانروای عرب بر روی سکه نقش نشده و در مواردی تنها در حاشیه سکه نام و یا خلاصه ای از نام حاکم نوشته شده است. واژه ی

«پزوت» و در طرف چپ «فر» به خط پهلوی دیده می شود و در حاشیه سکه کلمه «اپد» ، به معنی آبادانی به خط پهلوی نقر گردیده است. در پشت سکه نیز تغییراتی اساسی ایجاد شده، آتشکده و موبدان محافظ آتش حذف شده اند و به جای آنها به خط کوفی عبارت: «لا اله الا الله، محمد رسول الله» نوشته شده؛ اما تاریخ و محل ضرب سکه هنوز به خط پهلوی است و نقش ستاره ها در حاشیه خارج پشت سکه، مانند روی سکه در میان دو هلال ماه محصور گردیده اند. (سرفراز، ۱۳۷۹ ص ۱۳۱).
تصویر ۱۳ سکه های فضل بن سهل

نتیجه:

برپایه ی آنچه که گفته شد نتیجه می گیریم که مازندران آخرین مناطقی بود که اسلام به آن راه یافت و حدود یک قرن سنت ساسانیان در آن رواج داشت. مهم ترین عوامل مستقل ماندن مازندران و یا نیمه مستقل ماندن آن در دوره ی ساسانی موقیعت جغرافیایی طبیعی این منطقه بوده است. وجود کوه های مرتفع و طول و عرض جغرافیایی خاص مانع از هر نوع نفوذی می شد موضوعی که در اینجا مطرح می شود این است که با وجود این مقاومت و حفظ راه و روش ساسانیان چرا آثاری که مبین این واقعیت تاریخی باشد در این منطقه به چشم نمی خورد. این رویداد سوالی را پیش می آورد که پاسخ به آن کمک فراوانی در بررسی علل این امر می کند. علت فقدان آثار در این منطقه چه می تواند باشد؟ آیا به تولید آثار متفاوت به دلیل مقاومت مدام و تلاش در حفظ حکومت خودمختار توجهی نمی شده است. یعنی به

دلیل عدم امنیت و آرامش لازم معماران، فلز گران و سایر هنرمندان مجالی جهت خلق آثار را نداشته اند. آیا آثار به دلایلی نظیر جنگ، آتش سوزی و از بین رفته اند؟ همان طور که مشاهده می شود که رویان که بزرگترین شهر کوهستانی طبرستان و مرکز حکومت پادوسبانان (پادگوسبانان) بوده است و همچنین حاکم نشین آن کجور که دارا بودن موقعیت خاص جغرافیایی آن نقش بنیادی در شکل گیری ژئوپلیتیک تاریخی آن داشته است، چندین بار مورد هجوم اعراب قرار گرفت اولین جنگ در حدود ۵۰ ه. ق و دومین جنگ در زمان گاوبارگان در کجور به وقوع پیوست و دو سال طول کشید و سرانجام در ۱۴۲ ه. ق طبرستان به دست اعراب فتح شد. آیا سختی و هزوارش هایی که در خط پهلوی وجود داشته استفاده از آن را به صورت گسترده ممکن نمی ساخته و این خط در مکان هایی خاص یا بر روی ظروف با کارایی خاص به کار می رفته است؟ عدم کاوش های کافی در این منطقه و یا عدم انتشار گزارشات آن توسط حفاران خارجی مجال معرفی و پرده برداری از آثار را نداده است. رویان، کجور، نور از جمله مناطقی هستند که به دلیل موقعیت سیاسی و جغرافیایی مناسب مراکز اصلی حکومت در این بازه ی زمانی بوده اند و بررسی و کاوش آن ها می تواند به اطلاعات در این زمینه بیفزاید. به هر طریق تنها آثاری که بیشترین اطلاعات از خط پهلوی مربوط به این دوران در آن مشاهده می شود. سکه های تبرستانی می باشد که معتبر ترین اسناد جهت تاریخ گذاری و نشان دهنده ی اهمیت دادوستد و اقتصاد در حفظ خودمختاری است. با بررسی سکه های

- ۴- پاکزادیان، ۱۳۸۷، حسن، تاریخ و گاهشماری در سکه های تبرستان، انتشارات پاکزادیان، تهران
- ۵- تفضلی، احمد، ۱۳۷۶، تاریخ ادبیات پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، انتشارات سخن، تهران
- ۶- سرفراز، علی اکبر و آوزمانی، ۱۳۷۹، سکه های ایران، انتشارات سمت، تهران
- ۷- ستوده، منوچهر، ۱۳۷۴، آستارا تا استرآباد، آثار و بناهای مازندران غربی، جلد سوم، انتشارات معاونت فرهنگی وزارت ارشاد وانجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران
- ۸- لسترنج، ۱۳۶۴، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، محمود عفان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- ۹ - نوروززاده چگینی، ناصر، ۱۳۶۵، "مازندران در دوره ی ساسانی (۱)"، باستان شناسی و تاریخ، مرکز سال اول، شماره اول نشر دانشگاهی، تهران
- ۱۰- ، ۱۳۶۵، "مازندران در دوره ی ساسانی (۲)"، باستان شناسی و تاریخ، مرکز نشر دانشگاهی، سال اول، شماره دوم، تهران
- ۱۱- هاشمی زرج آباد، حسن، ۱۳۸۱، بررسی باستان شناسی آثار و محوطه های دوران اسلامی منطقه ی کجور واقع در غرب مازندران، پایان نامه ی کارشناسی ارشد باستان شناسی، دانشکده ی علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران
- ۱۲- هاشمی زرج آباد، حسن، موسوی، کوهپر، سیدمهدی، حیدریان، محمود، عباسزاد، رحمت، ۱۳۸۹، گزارش اجمالی بررسی باستان شناسی منطقه ی کجور

ضرب تپورستان شاهد تغییراتی در طرح چهره شاه و یا حاکم در طول مدت حکومت اسپهبدان و حکام عرب در آن سرزمین هستیم، به این صورت که هرچه در تاریخ جلوتر بیاییم؛ تغییرات در نقش چهره شدیدتر شده است. برای مثال نقش چهره سلیمان در اواخر دوره به شکل لوزی نمایش داده شده است. سکه با نام فضل بن سهل نیز از اینگونه است. سکه های تبرستان المهدی محمد از جمله سکه هایی است که بیشتر به سکه های اواخر دوره اسپهبدان و اوایل دوره حکومت اعراب در تبرستان شباهت دارد. نکته دیگر آنکه اصولاً می توان این مطلب را اساس قرار داد که تاریخ رسمی هجری قمری را بر روی سکه ها به خط کوفی می نوشته اند و تاریخ هایی که در سکه های حکام محلی تبرستان به خط پهلوی نقر شده است با مبداهای ایرانی (اسپهبدی، یزدگردی و ...) است. تاریخ بر سکه های حکام نشان دهنده آن است که در یک محدوده زمانی، دو یا سه حاکم در تبرستان بطور همزمان حکومت می کرده اند. از طرفی می توان به این موضوع نیز توجه کرد که ممکن است مبدأ تقویم و تاریخ بکار رفته در سالشماری متفاوت باشد.

منابع و مأخذ :

- ۱- ابوالقاسمی، محسن ۱۳۷۳، تاریخ زبان فارسی، انتشارات سمت، تهران
- ۲- اکبرزاده، داریوش ۱۳۸۵، کتیبه های پهلوی، انتشارات پازینه تهران
- ۳- اکبرزاده، داریوش، طاووسی، محمود ۱۳۸۴، کتیبه های فارسی میانه، انتشارات نقش هستی، تهران

نوشهر، مجموعه و خلاصه مقالات همایش ملی چشم
اندز باستان شناسی شمال کشور در دهه آینده، تهران

فصلنامه علمی تخصصی باستان شناسی ایران - واحد شوشتر



ضرب سال ۶۰ اسپهبدی

تصویر ۱، سکه های فرخانان / فرخانان (۷۲-۷۹ اسپهبدی)



ضرب سال ۷۶ اسپهبدی

تصویر ۲












ضرب سال ۸۶ اسپهبدی

تصویر ۳

علائم و نوشتار در متن روی سکه:



ضرب سال ۹۰ اسپهبدی

۱	جلوی سر و یا 	۴	هلال ماه  بالای شانه	۷	فر  پشت سر
۲	نام شاه 	۵	گوشواره 	۸	ابزوت  پشت سر
۳	روی شانه ها 	۶	گردنبند 	۹	افزده های تاج  پشت سر

تصاویر ۴



تصویر ۵



تصویر ۶



نوع نخست سکه های عمر بن العلاء

تصویر ۷



نوع دوم سکه های عمر بن العلاء

تصویر ۸



تصویر ۹

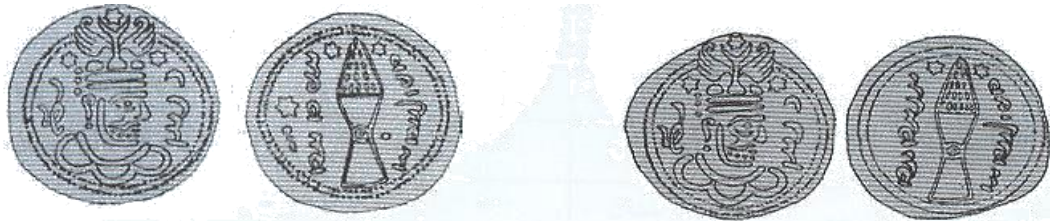


نوع پنجم سکه های عمر بن العلاء سال ۱۲۵ اسپهبدی

تصویر ۱۰



تصویر ۱۱



« ساسانی »؛ سال « ۸۰ » یا « ۱۰۸ »

تصویر ۱۲



تصویر ۱۳